

## آموزش و نهادهای آموزشی آل زیار و انعکاس آن در قابوسنامه

### ابوالفضل فضلی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
amirfama@chmail.ir

### محمد سپهری

استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
[sepehran55@gmail.com](mailto:sepehran55@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۳

### چکیده

تاریخ و تمدن ایران دارای بنیادها و زیرساخت‌های مستحکم علمی و فرهنگی است. آموزش و مراکز علمی به جهت فراهم آوردن زمینه رشد علم و فرهنگ و تربیت دانش‌اندوزان همواره از جایگاه بالایی برخوردار بوده و یکی از دستاوردهای مهم فرهنگ و تمدن محسوب می‌شدند. هدف این پژوهش بررسی آموزش و نهادهای آموزشی سلسله آل زیار و نیز انعکاس این آموزش‌ها در کتاب قابوسنامه عنصرالمعالی با روش پژوهش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. مساجد، مکاتب، خانه‌های دانشمندان، مهمترین مراکز علمی و آموزشی در این دوره بوده و در سرزمین‌های تحت حاکمیت آل زیار بحث آموزش مورد توجه بیشتر حاکمان این سلسله بوده است جایگاه اندیشمندان در دربار حاکمان آل زیار رفیع و مورد احترام بوده‌اند و کتاب قابوسنامه نیز بستر مناسبی برای طرح تفکرات و راهکارهای تعلیم و تربیت در جامعه بوده و عنصرالمعالی با استفاده از ابزار داستان، تمثیل، حکایت و روش‌های مختلف آموزشی در تدوین قابوسنامه استفاده نموده است.

کلید واژه‌ها: آل زیار، آموزش، نهادهای آموزشی، قابوسنامه، ایران

#### مقدمه

خاندان آل زیار در قرون چهارم و پنجم هجری در شمال ایران خصوصاً در گرگان، طبرستان، گیلان، دیلمستان، رویان، قومس، ری و جبال حکمرانی داشتند. مرکز و محدوده حکمرانی زیاریان گرگان و استرآباد بود (بطروشفسکی: ۲۵۱-۲۳۸)

از خاندان زیاری امیران نخستین بیشتر جنگاورانی بودند که عمر خود را در لشکرکشی و جنگ و گریزهای نظامی می گذراندند. امیران میانی زیاری- قابوس و منوچهر- و در پایان عنصرالمعالی مجال بیشتری برای کسب علم و ادب و فضیلت داشتند. حشر و نشر با دانشمندان بزرگی مثل ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا نیز در ایجاد این روحیه بی تأثیر نبود.

(مفرد، ۱۳۸۶: ۱۸۲-۱۸۰)

قابوس بن وشمگیر ملقب به شمسالمعالی از اعظام این خاندان بود. که علاوه بر بزرگواری نسبت به دانشمندان، شخصاً از فضایل زمان بود و تالیفاتی از او بجاست. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او نوشت و منوچهری تخلص خود را از پسر او (منوچهر فلکالمعالی) گرفت. عده‌ای از شعرای محلی که به زبان طبری شعر سروده اند مانند دیواره و زیامسته مرد در تحت حمایت او بوده‌اند. (صدیق، ۱۳۴۲: ۱۱۹-۱۱۸) شهرت و اهمیت آل زیار بیشتر به سبب وجود قابوس پسر وشمگیر است به روزگار او زیاریان به اوج قدرت دست یافتند و او خود نقش بزرگ در ترویج فرهنگ و ادب روزگار برعهده گرفت مورخان و نویسندگان او را به فضل، عقل، دادگستری و مردم داری ستوده اند. چنان که عتبی او را « از ملوک اطراق و اکابر اقطار جهان به شرف نفس و مکارم اخلاق و وفور عقل و کمال فضل » مستثنی دانسته است و آورده است که «به سبب عدل و رأفت و انصاف و معدلت آراسته و بر اهتمام به حال رعیت و اعتنا به مصالح زیردست، حریص و در فنون علوم آداب متبحر و در جمع میان ذرایت، شمشیر و ذلاقت قلم، متفرد.» (عتبی، به کوشش جعفر شعار، ۱۳۵۷: ۶۲-۶۱)

ارباب تاریخ آورده‌اند که قابوس بن مرداویج بن زیار به فضیلت بسیار و فطانت بی‌شمار اتصاف داشت و در ایام سلطنت خود در ولایت جرجان، اعلام عدالت و احسان برافراشت. خط خوب نوشتی و پیوسته ابواب جو مفتوح داشتی. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۱۹) کتاب کمال‌البلاغه نشانه کمال اطلاع او بر ادب و حکمت و قدرت وی در انشاء عربی است و اشعار تازی و پارسی هم که از او باقی مانده مهارت او را در شعر نشان می‌دهد وی از بزرگداشت علماء و شعرا نشان می‌دهد وی از بزرگداشت علماء و شعرا نیز غفلت نمی‌کرد چنانچه خسروی سرخسی در دستگاه او راتبه خاصی داشت و ابوالفرج علی بن حسین بن هندو ادیب و حکیم بزرگ (۴۲۰م) چندی در خدمت او به اعزاز و اکرام می‌زیست (صفا، ۱۳۷۲: ۲۱۲) و رسائل تازی و قصائد عربی که او پرداخته است دیباچه دفتر فضائل است و مشاعرات او با استاد ابوبکر خوارزمی مشهور و در یتمه الدهر مستوفی ذکر شده است. و امیر کیکاوس بن قابوس بن وشمگیر نیز که از آن شجره طاهره بود در زیرکی و بزرگواری اقتدا به پدر خود می‌کرد و در تربیت افاضل و تقویت امثال از امرء زمان و کبار روزگار قصب سبق می‌ربود (عوفی، ۱۳۲۴: ۲۹ و ۳۱)

آل زیار بیش از یک قرن بماند و در ترویج علم و حمایت ادب نقش شرافتمندانه ای بازی کرد از راه دیگری نیز مرداویج نقش مهمی در تاریخ ایران بازی کرد، زیرا نیکبختی و سعادت اولیه خاندان بزرگ آل بویه که در اواسط قرن دهم میلادی در سراسر ایران و خود بغداد تقریباً فرمانروایی مطلق داشتند مرهون مرداویج بود. (براون، ۱۳۳۵: ۵۲۷)

در نیمه اول قرن پنجم که مؤلف این کتاب می‌زیسته است علوم و معارف در ایران به منتهی درجه کمال خود رسیده بود و در هر گوشه‌ای از دیار ما دانشمندان بزرگ می‌زیسته‌اند و با آن که زد و خورد شدیدی میان سلسله‌های مختلف در میان بوده و همواره کشور ما معرض تاخت و تاز سپاهیان بوده است این حوادث مانع از پیشرفت علم و ادب نمی‌شده و نیمه اول قرن پنجم را هم دوره جنگ و هم دوره علم و ادب باید دانست. [...] مؤلف این کتاب

هم پرورش یافته همین زمان و پرورده همین مقتضیات بود، به همین جهت است که سه جنبه مختلف در کمال وضوح از قلم وی آشکار می‌شود و پیداست که وی هم سپاهی و هم دانشمند و هم عارف مشرب بوده است. فصول مختلف این کتاب بهترین گواهی است از وسعت اطلاعات وی در تاریخ گذشته ایران و اسلام کاملاً مطلع بوده بر تاریخ زمان خویش آگاهی کامل داشته علمای بزرگ عصر خود قرین به عصر خویش را در کمال خوبی می‌شناخته و از آثار ایشان مسبوق بوده از شعرای پیشین نیز آگاه بوده در انشاء و عروض و طب و نجوم و موسیقی و فنون سواری و سپاهی و مملکت داری توانائی تام داشته است. (نفیسی، ۱۳۱۲، ۱۷-۱۵)

#### **آموزش و نهادهای آموزشی در قرن های ۴ و ۵ در محل حاکمیت آل زیار**

آموزش فعالیتی است اجتماعی که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهاد و سازمان‌های ویژه‌ای پدید می‌آید.

#### **الف) مساجد**

پس از ظهور نهضت اسلامی، یعنی از عهد پیشوای اسلام و خلفای راشدین تا قرن دوم و سوم هجری، مهمترین مرکز تجمع و تعلیم و تربیت مسلمان مسجد بود. مسجد در آموزش و پرورش اسلامی جایگاهی والا و سترگ داشته‌است. مسجد در روزگار پیامبر(ص)، خلفای راشدین و نیز تا دیرگاهی تا پایه‌گذاری مدرسه و حتی پس از آن، یکی از کانون‌های بزرگ آموزشی و پرورشی دینی به شمار آمده‌است. گذشته از احکام، آموزش‌ها و علوم دینی، دیگر دانش‌ها را نیز در مسجد می‌آموختند. مسجد به عنوان پایگاه مهم آموزشی همچنان پایید و در آنجا دانش‌هایی می‌آموختند که با روح دین اسلامی هماهنگی داشت و برای بشر سود و نیکی بر جا می‌گذاشت. (جماعه، ۱۳۸۸: ۷۱)

نهاد اصلی آموزش، حلقه‌های درسی مساجد بود و معمول ترین شیوه آموزش، شیوه املاء بود. در پایان این مجموعه فراهم شده را امالی می‌خواندند. (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۳۸۰) شیوه امالی در قرن ۴ هـ در گرگان نیز رایج بود چنانچه ابوعلی حسین بن حفص بن قریش گرگانی بکرآبادی در مجلس مکتب موسی بن سندی سالها املاء می‌نوشت. (سهمی، ۱۳۶۹: ۱۴۹-۱۵۰) در بین حلقه‌های معروف درسی از همه مهمتر و پراعتبارتر حلقه فقه بود زیرا شاگردان آن به سطح عالیه آن ارتقاء می‌یافتند در آینده به مدارج و مقامات عالی دیوانی و مذهبی می‌رسیدند مثلاً بسیاری از قضات و روسای شهرها از جمله استرآباد و گرگان در قرن ۳ و ۴ از زمره فقهای بزرگ بودند. در این مورد باید از ابومحمد بن محمد بن مکی گرگانی قاضی شهر استرآباد نام برد. (همان: ۴۰۶) در قرن ۴ در بعضی از شهرهای بزرگ علاوه بر حلقه‌های درسی، مجلس بویژه مجلس حدیث نیز دایر بود. (همان: ۱۵۶ و ۳۷۶) در شهر استرآباد و گرگان نیز معلمین بزرگی تدریس داشته که به «اصحاب الحدیث» معروف بودند. آنها در مساجد به تدریس در حلقه‌های حدیث می‌پرداختند و تعدادی از آنها صاحب تالیفات مشهوری در علم حدیث بودند (همان: ۸۷) از جمله محمد بن یزاد بن سالم استرآبادی و محمد بن عمران (و ۲۸۳ هـ ق) که حلقه فقه وی شهرت بسیار داشت. (همان: ۹۱-۹۲)

#### ب) مکتب

پیشین‌ترین نهاد آموزشی در جهان اسلام است که در نگاشته‌های تازی بیشتر کُتاب خوانده شده است. این نام از کتابت (نگاشتن) و تکتیب (نوشت آموزی) گرفته شده است. گفتنی است که پیوند معنایی میان ریشه تازی این واژه با ریشه واژه دبستان پارسی به خوبی آشکار است. مکتب‌خانه در سراسر سرزمین‌های اسلامی، به عنوان نهاد آموزشی آغازین، وجود داشته است (احمد، ۱۳۸۴: ۳۱) بعضی از مکاتب در خانه مکتب‌دار و برخی در دکان‌ها تشکیل می‌شد شرط ورود به مکتب فقط این بود که کودک از عهده شست و شو و طهارت خود

برآید، بنابراین معمولاً از پنج تا شش سالگی طفل را به مکتب می‌گذاشتند و دوره تحصیل، معین و مشخص نبود هر کس به تناسب توانایی مالی و استعداد ذاتی طفل، فرزند خود را به مکتب می‌فرستاد، ولی قاعدتاً از سن بلوغ، یعنی حدود پانزده سال سالگی تجاوز نمی‌کرد. (راوندی، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰) مدت‌ها بعد از تعلیم الفبا و قرآن برای مبتدیان مکتب را بوجود آوردند از جمله در قرن ۴ در گرگان با نمونه‌های متعددی همچون: ابوعلی حسن بن حسین بن علی همدانی مودب، ابوعلی حسن بن احد بن ابراهیم موسی مودب و محمد بن شعیب رازی مودب (ساکن استرآباد) برمی‌خوریم (سهمی: ۱۴۵ و ۲۲۶)

### ج) خانه دانشمندان

از قرن چهارم به بعد گاهی در خانه فضلا و بزرگان و به ویژه در شهرهای بزرگ مثل بغداد، بخارا، و نیشابور متفکرین، دانشمندان و اهل علم و ادب تجمع می‌کردند در گرگان نیز در تاریخ نمونه از این موارد مضبوز است. مثلاً محمد بن فضل بن عبدالله بن مخلد بن ابیعه تمیمی رئیس گرگان (مرگ ۳۲۴هـ) بسیاری از بزرگان و اهل علم را در خانه خود واقع در کوی عبدالواسع ابی طیب فر می‌خواند و گاه در پایان جلسات مال بسیاری به آنها عطا می‌نمود. نمونه دیگر آن مربوط به همین قرن و حضور ابن سینا در گرگان است که اندیشمندان منطقه در خانه او برای کسب علم یا مشاورات علمی تجمع می‌نمودند. جرجانی می‌نویسد: هرشب دانش‌پژوهان در خانه ابن سینا گرد می‌آمدند و من با او شفا می‌خواندم و دیگر بار کسی دیگر از قانون می‌خواند درس در شب بود زیرا او روز هنگام در خدمت شمس الدوله و ... فرصت نداشت (شلیبی، ۱۳۸۷: ۴۶)

### د) مدارس

در قرن چهارم، ایجاد اماکن خاصی برای تعلیم علوم دینی و ادبی به نام مدارس معمول شد و ایرانیان در ایجاد این مدارس از میان همه ملل اسلامی، سمت تقدم داشتند. از جمله

مدارس قدیم ایران یکی مدارسی است که حسن بن قاسم، معروف به داعی صغیر ( مقتول به سال ۳۱۶) در آمل ایجاد کرد. در طابران از اعمال طوس، برای الحاتمی (م ۳۹۲)، دانشمند بزرگ قرن چهارم، مدرسه‌ای ایجاد کرد که در آن به تدریس مشغول شد در شهرهای دیگر ایران هم تا اوایل قرن پنجم چند مدرسه ساخته شد، مثلاً در سبزواری، خواجه امیرک از بزرگان قرن چهارم، مدرسه‌ای ساخت که در قرن پنجم دایر بود. (راوندی، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۱)

با تغییر شیوه آموزش شکل جدیدی از نهادهای آموزش بنام مدارس پدید آمد شاید از مهمترین دلایل تاسیس مدارس تحول در شیوه آموزش و تدریس موضوعات جدید در این مکان‌ها بوده است اولین مدرسه در ناحیه طبرستان در شهر آمل در حدود سالهای ۳۰۲ هـ ف توسط ناصر کبیر از حکمرانان علوی طبرستان بنا گردید که خود نیز مدتی در آن به تدریس شعر، ادب، فقه و حدیث پرداخت (آملی، ۱۳۴۸: ۱۱۰)

گرگان از اوائل ۴ تا ۶ در اوج شکوه و عظمت بود بزرگان و دانشمندان بزرگی را در خود پرورد مساجد آن دارای حلقه‌های درسی گوناگون و مدرسان آن به تدریس علوم مختلف می پرداختند اهمیت اجتماعی، علمی و فرهنگی شهر سبب گردید تا بزرگانی همچون ابن سینا و ابوریحان بیرونی سالهای چند در آن بیتوته نمایند و غزالی مدتها به تحصیل پردازد. دانشنامه جهان اسلام جزء چهارم ص ۴۹۷)

ابن حوقل به سال ۳۳۵ هـ می نویسد: «در گرگان بارانهای دائمی است اصل ابریشم طبرستان از ولایت گرگان بدست می آید در این جا ثلج (نمک چینی)، خرما، ترنج، انجیر، و زیتون بدست می آید دانشمندان معروف بسیاری داشته است اغلب توابع گرگان کوهستانها و قلعه‌های استوار است که شمار آنها ۱۰۰۰ بیشتر است عواید آن از وشمگیر بن زیار و بهستون بن وشمگیر است. (ابن حوقل، ۱۳۴۸: ۹۲ و ۱۲۰)

آموزش در قابوسنامه

یکی از منابع معروف تعلیمی و تربیتی سلسله زیاریان کتاب قابوسنامه عنصرالمعالی می باشد قابوس نامه رامی توان مهمترین مرجع برای شناخت امیر کیکاووس، افکار و نظریاتش دانست و بیشتر نظریات آموزشی کیکاووس در بابهای ۲۷ در حق فرزند و حق شناختن، ۳۱ در در طالب علمی و فقهی و فقها و ۶ در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر آمده است. قبلاً باید این نکته را یادآور شد که عقاید و نظرات او در این قسمت بیشتر مربوط به خانواده‌های توانگر است. که به استخدام استادان متعدد برای پرورش فرزند خود قادر باشند و از این رو سازمانی که برای تعلیم و تربیت پیش بینی نمی‌کند و خانه پدر، صحرا و نخجیرگاه را برای تربیت طفل در نظر می‌گیرد: « و لکن تو فرهنگ و هنر را میراث خود گردان و بوی بگذار تا حق وی گزارده باشی که فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست و مردان عامه را میراث به از پیشه نیست» هر چند پیشه نه کار کودکان محتشمانست، هنر دیگرست و پیشه دیگر. اما از روی حقیقت نزدیک من پیشه بزرگترین هنر است و اگر فرزندان مردمان خاصه صد پیشه داندند چون بکسب نکنند همه هنر است و هنر یک روز بر آید.» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۵) با توجه به مطالب این کتاب چیزی که در خور توجه است اینست که در آن روزگار فرزندان خاصه و بزرگان مانند فرزندان عامه پیشه‌های مختلف را یاد می‌گرفتند اگرچه به آنها هیچ احتیاج نداشتند.

ایشان در باب سی و یک پیشه‌ها و شرایط هر کدام را به گیلاشاه آموزش می‌دهد: « بدان ای پسر که گفتم که اول سخن که از پیشها یادکنم، غرض پیشه نه دکان داریست، هر کاری که مردم کند و بر دست گیرد آن چون پیشه است. باید آن کار را نیک بدانی ورزیدن تا از آن برتوانی خوردن. اکنون من چنانکه من همی بینم هیچ پیشه و کاری نیست که آدمی آن بجوید که آن پیشه را از داستان و نظام مستغنی دانی الا که همه را ترتیب دانستن باید. پیشه بسیار است و هر یکی را جدا شرح کردن ممکن نشود.» (همان: ۱۵۷) لذا می‌توان این کتاب را از



بهترین مراجع فنون کشورداری و فرمانروایی و حتی پیشه‌های دیگر و آشنایی با آنها در قرون ۴ و ۵ هجری دانست

عنصرالمعالی در باب‌های دیگر نیز کوشیده است تا اسرار حیات متعالی و هدف‌دار انسان را در لطیف‌ترین تعبیرات تفسیر نموده و پیچ و خم‌های زندگی را از طریق بیان پند و اندرزهایی پدران و خردمندان آموزش دهد. آموزش مدیریت زمان از موارد قابل توجه در کتاب قابوسنامه می‌باشد آنجا که اوقات شبانه روز را تقسیم می‌کند و حدود، اندازه و زمان هر کاری را طبق نظر بزرگان معلوم می‌دارد: «حکیمان چنین گفته‌اند که شبان روزی یست و چهار ساعت باشد چنان باید که ازین بیست و چهار ساعت دو بهر بیدار باشی و بهر خفته» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۹۱) پنجاهای ایشان فقط یک تقسیم بندی ساده از اوقات شبانه روز نیست بلکه نشان از یک صحیح و عاقلانه مدیریت دارد و می‌تواند هدایت‌گر سایر امور زندگی فرد بر محور زمان مشخص و معین باشد.

#### مخاطبان آموزش قابوسنامه

بیشتر آموزش‌های مورد نظر عنصرالمعالی خاص پسران است ولی اشاره‌ای هم به آموزش دختران دارد: «اگر دختریت باشد وی را به دایگان مستور<sup>۱</sup> سپار و نیکو پرور و چون بزرگ شود به معلم ده تا نماز و روزه و آنچه در شریعت است بیاموزد.» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۷)

در برخی از نوشته‌ها عدم توجه به آموزش دختران در قرون گذشته از جمله در قابوسنامه مطرح است لازم به توجه است که فرهنگ حاکم و جامع شغل‌های موجود در هر جامعه، شاغل خود را می‌طلبد لذا در جامعه‌ای که دولت در آن درگیر مجادله با همسایگان خود می‌باشد باید توجه به آموزش و مهارت‌های رزمی پسران اولویت باشد. ولی به مرور زمان

<sup>۱</sup> با شرم و باعفت و پاکدامن

و با پیشرفت جوامع و ظهور شغل‌های جدید و نیاز آنها به افراد ماهر در هر دو جنسیت، باعث تعمیم آموزش در زنان و مردان شد.

### اهداف آموزش در قابوسنامه

کسب آمادگی برای زندگی شایسته اصل و تبار

عنصرالمعالی در مقدمه کتاب خود پسرش را به زندگانی در شأن و منزلتی که شایسته اصل و نسب خود باشد توصیه می‌کند: «چون ساز رحیل کردم آنچه نصیب من بود پیش تو فرستادم تا خودکامه نباشی پرهیز کنی از ناشایست و چنان زندگانی کنی که سزای تخمه پاک تست که ترا ای پسر تخمه بزرگ و شریفست وز هر دو طرف کریم‌الطرفینی و پیوسته ملوک جهانی.» (یوسفی، ۱۳۶۴: ۴)

تربیت دینی

به اعتقاد ایشان، دنیا بعنوان کشت زار است و سرای جاودانی برتر از سرای سپنجی و زودگذر است لذا به پسرش هشدار می‌دهد که: «چه امروز تا درین سرای سپنجی باید که بر کار باشی و زادی و پرورشی را که سرای جاودان را شاید برداری و سرای جاودانی برتر از سرای سپنجی است... آن کس را که راه خدای تعالی جوید و طاعت خدای تعالی جوید چون آتشی بود که هر چند سرنگونش کنی برتری و فزونی جوید و مانند آن کس که از راه خدای تعالی و طاعت او دور باشد چون آبی بود که هر چند بالاش دهی فروتری و نگوئی جوید پس بر خویشتن واجب دان شناختن راه ایزد تعالی.» (همان: ۶-۵)

علاوه بر مقدمه، مطلع کتاب قابوسنامه را از باب‌های اول تا چهارم را به بحث‌های دینی اختصاص داده است. و در باب اول بحث توحید و خداشناسی، در باب دوم بحث نبوت، باب سوم شکرگذاری نعمت‌های خدا و در باب چهارم طاعت‌های خاص و عام را به صورت مفصل آموزش می‌دهد

تربیت اخلاقی

عنصرالمعالی در سراسر کتاب خود موارد اخلاقی را ملحوظ نموده است او موضوع اخلاق را در تمام مراحل زندگی حتی در حرکات و سکنات، آداب و معاشرت ها، به روشی بسیار ماهرانه پرداخته است او حتی شیوه های مؤثر تربیتی، تشویق و تنبیه، تأثیر محیط و هم نشینی با افراد صالح را نیز مورد غفلت قرار نداده است. و در باب ششم نیکوکن و نیکوگوی را برادر خوانده و می گوید «و بدان نیکوکن و نیکوگوی دو برادرند که پیوندشان زمانه نگسلد و بر نیک کرده پشیمان مباش که جزای نیک و بد هم اندرین جهان بتو رسد ...» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۹)

تربیت شغلی

آموختن فرهنگ و هنر به عنوان حق و میراث پدر به فرزندان از سفارشات عنصرالمعالی به گیلان‌شاه می‌باشد «و لکن تو فرهنگ و هنر را میراث خود گردان و به وی بگذار تا حق وی گزارده باشی که فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست و فرزندان عامه را میراث به از پیشه نیست، هر چند پیشه نه کار کودکان محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر. اما از روی حقیقت نزدیک من پیشه بزرگترین هنرست و اگر فرزندان مردمان خاصه صد پیشه دانند چون بکسب نکنند<sup>۲</sup> همه هنرست و هنر یک روز برآید» (همان: ۱۵۱-۱۵۲) لذا فرزند را به آموختن فرا می خواند: «پس هر چه بتوانی آموختن بیاموز که منافع آن به تو باز گردد» (همان: ۱۵۳)

باتوجه به اینکه در عصر عنصرالمعالی مدارس رسمی عمومیت نداشت و امکانات آموزش و تحصیل برای همگان امکان پذیر نبوده است شاید بهترین توصیه برای فرزند یک پیشه ور

<sup>۲</sup> از آن گذران و کاسبی نکنند

، فراگیری پیشه پدرانش باشد یعنی از نزدیکترین و مجرب ترین معلم که در دسترس اوست  
تعلیم ببیند .

#### تربیت و سلامت جسمانی

از آموختنی های متداول آن زمان، با توجه به خاطره ای که عنصرالمعالی از کودکی خود نقل  
می کند « پدرم رحمه الله مرا به وی سپرد تا مرا سواری و زوبین و تیرانداختن و نیزه باختن  
و کمند افکندن جمله هر چه در باب فروسیّت و رجولیت بود بیاموختم» (یوسفی، ۱۳۶۲:  
۱۴۸) اما پس از آموختن آن مهارت ها پدرش به حاجب می گوید: «این فرزند مرا آنچه  
آموخته ای نیک بدانسته است و لکن بهترین هنری نیاموخته است (همان)» و از جمله  
ورزش ها و مهارت های دیگری که بر آن تأکید می کند و آن را بهترین می داند، « شنا کردن  
که از بهر وی جز وی کس نتواند کردن»

عنصرالمعالی در کنار همه پندها از سلامتی جسم نیز غافل نیست و برای حفظ سلامتی  
آموزش های را به پسرش ارائه می کند: مخالف فصل چیزی مخور (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴:  
۸۷)، چون به گرمابه رفتن حاجت اوفتد بر سیری مرو که زیان دارد... و لکن با همه نیکی  
ها هر روز به گرمابه رفتن سود ندارد بلکه زیان دارد که عصب ها و مفاصل نرم گرداند. (همان : ۸۸)  
و بسیار خفتن ناستوده است، تن را کاهل کند و طبع را شوریده کند و صورت  
روی را از حالی بحالی برد... اما همچنانکه خفتن بسیار زیان کارست ناخفتن نیز هم زیان  
کارست (همان: ۹۱-۹۰)

#### تربیت عقلانی

عقل در آیات و روایات گوهری هدایتگر به سوی خیر و نیکی است همین عامل باعث می  
شود تا عمل صالح عنصر دیگر از عقل ورزی به حساب آید عنصرالمعالی در همه بابها  
حتی در شراب خوردن پسرش را در سر دو راهی و انتخاب قرار می دهد و با بر شمردن  
مزایا و معایب هر کار اختیار را به او می دهد تا از روی عقل و خرد تصمیم بگیرد: «تا پیش

از آن که دست زمانه تو را نرم کند تو خود بچشم عقل در [ سخن ] من نگری و نیک نامی در دو جهان ( عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۴-۳) و در باب هفتم با اشاره به پندهای نوشیروان می گوید: «با مردم بی هنر دوستی مکن که مردم بی هنر نه دوستی را شاید نه دشمنی را» ( همان : ۵۱)

#### تربیت اجتماعی

زندگی اجتماعی تجربه تاریخی بشریت در طول سالها زندگی در روی زمین بوده است جهان متشکل از جزیره‌های متعدد و مجزا از هم می‌باشد ولی زندگی در روی این جزایر جز با برقراری ارتباط موثر امکان پذیر نیست یا حداقل مشکل می باشد. ارتباط یکی از قدیمی ترین دستاوردهای بشر بوده است تا از این طریق اندیشه ها تمایلات، احساسات و نیازهای خود را به یکدیگر منتقل کنند. لازمه برقراری ارتباط موفق در جامعه آموزش مهارت‌های اجتماعی است تا همه انسانها با حفظ حریم و رعایت قانون و مقررات اجتماعی در کنار هم زندگی صلح آمیز داشته. عنصرالمعالی نیز در کتاب خود مطالب سودمند اخلاقی و حکمت های عملی را به بهترین شیوه نگاشته و به قوانین زندگی اجتماعی نظر داشته است یکی از مهارت های ارتباطی و اجتماعی سخن دانی است ایشان در باب هفتم می نویسد « باید که مردم سخن گوی و سخن دان باشد. » ( عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۴۱) و در باب سیزدهم در مورد مزاح کردن نیز می گوید: « تا بتوانی از مزاح سردکردن پرهیز کن» (همان: ۷۶) وی همچنین در باب های بیست و ششم اندر آیین زن خواستن، بیست و هشتم در آیین دوست گرفتن و در ابواب دیگر نیز به انحا مختلف به آموزش مسائل اجتماعی پرداخته است

#### محتوای آموزش در قابوسنامه

در بحث تعلیم و تربیت ، عنصرالمعالی ابتدا تعریفی از دانش ارائه می‌دهد. وی دانش را عبارت از هنر روحانی می‌داند سپس به بیان معرفت‌شناسی و تاریخ شناخت می‌پردازد و

چنین می‌نویسد « بدان که معرفت را پارسی شناخت است، چنان بود که چیزی از حد بیگانگان در بدو آشنایی آری و پارسی علم دانش بود و حقیقت دانش آن بود که آشنا و بیگانه را در آشنایی و بیگانگی تمامی بشناسی تا درجات نیک و درجات بد بدانی. و چنان دان که تمامی دانش در همه چیز پنج گونه است: ایشیت و کیفیت و کمیت و لمیت و سب یعنی که چیستی و چونی و چندی و چرایی و بهانه.» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۵۸)

#### علوم دینی و اخلاقی

مطلع تمام علوم اسلامی و انسانی و اکثر کتاب های تاریخی بحث خداشناسی است پدر گیلان‌شاه نیز باب اول قابوسنامه را در شناختن ایزد تعالی و تقدس «اگر حقیقت توحید خواهی بدان که هر چه را تو محال است و ربوبیت صدق است» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۱) و باب دوم را در هدف آفرینش پغمبران (علیهم السلام) «در میان مردم پیغامبران را فرستاد تا ره داد و دانش و ترتیب روزی خوردن و شکر روزی ده گزاردن به مردم آموختند تا آفرینش جهان به عدل بود» (همان: ۱۵-۱۴) و باب سوم را به موضوع اندر سپاس داشتن خداوند نعمت «بدان ای پسر که سپاس خداوند نعمت واجب است بر همه کس، بر اندازه فرمان نه بر اندازه استحقاق» (همان: ۱۶) و باب چهارم نیز اندر فزونی طاعت از راه توانستن «بدان ای پسر که خدای عزوجل دو فریضه پیدا کرد از بهر منعمان و بندگان خاص و آن حج است و زکوه» (همان: ۲۰) اختصاص داده است.

#### پیشه و هنر

تناسب فرد و شغلش با یافتن تناسب میان مهارت‌ها، دانش و توانای مورد نیاز جهت انجام جنبه‌های نسبتاً ایستای شغل و افرادی که این توانایی‌ها را دارند سرکار دارند. به عبارت دیگر، دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که برای انجام موفق شغل ضروری است. از طریق آموزش ایجاد می‌شود. صاحب قابوسنامه در فزونی گوهر از فزونی خرد و دانش می‌گوید: «بدان ای پسر که مردم بی هنر دائم بی سود بود چون خار مغیلان که تن دارد و سایه ندارد.

« (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۷) در کتاب قابوسنامه نامه در مورد شغل‌های مختلف زمان عنصرالمعالی و شرح آنها مطالب زیادی آورده شده است و ایشان با مهارت تمام شرح همه شغل‌ها را با ریزترین موارد برای پسرش آموزش می‌دهد در باب بیست و سوم در بردن خردن، در باب بیست و چهارم در خریدن ضیاع و عقار و در باب‌های سی و یک تا چهل و سوم در مورد پیشه‌های مختلف نیز توضیحات کامل داده است.

ادب و دانش

ایشان در مورد دانش‌ها و راه و رسم هریک نیز به پسرش توضیح می‌دهد: « هریکی را سامانیست که اگر تو رسم و سامان این ندانی اگر چه استاد کسی باشی در آن باب چون اسیری باشی. پیشهای خود معروف است بشرح حاجت نیوفتد و لکن من چندانکه صورت بندد بگویم و سامان هر یک به تو نمایم از آنچه از دو بیرون نبود یا خود ترا بدین دانش نیاز افتد از اتفاق روزگار و حوادث‌های زمانه، باری بوقت نیاز از اسرار هریکی آگاه باشی. پس اگر نیازت نباشد و همچنین مهتر که هستی و مهتران را علم پیشها دانستن لابد است» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۵۸) و با آوردن حکمت: [الشرف بالعقل و الادب لبالاصل و النسب] یعنی بزرگی خرد و دانش راست نه گهر و تخمه را (همان: ۲۷) ترجیح را به خرد و دانش داده است نه اصل و نسب. و محتوای دانش علوم فقه را در باب سی و یکم و علم تجارت و بازرگانی را در باب سی و دوم علم طب را در باب سی و سوم، علم نجوم را در باب سی و چهارم و شاعری را در باب سی و پنجم، دبیری، باب سی و ششم آئین و رسم خنیاگری (موسیقی) و شرط کاتب را در باب سی و نهم برای پسرش آموزش داده است.

سرگرمی‌ها و تربیت بدنی

سرگرمی و تندرستی از جمله موضوعاتی است عنصرالمعالی از آموزش آن غافل نبوده و در باب‌های سیزدهم اندر مزاح کردن، نرد و شطرنج و شرایط آن، در باب شانزدهم اندر گرمابه رفتن و شرایط آن، باب هفدهم اندر خفتن و آسودن و رسم آن، در باب هجدهم اندر

نخجیر کردن و رسم آن و باب نوزدهم اندر چوگان زدن و شرایط آن، راه و رسم آنها را توضیح می‌دهد. « پدرم رحمه الله مرا به وی سپرد تا مرا سواری و زوبین و تیرانداختن و نیزه باختن و کمند افکندن جمله هر چه در باب فروسیّت و رجولیت بود بیاموختم» (یوسفی، ۱۳۶۲: ۱۴۸) اما پس از آموختن آن مهارت‌ها پدرش به حاجب می‌گوید: «این فرزند مرا آنچه آموخته‌ای نیک بدانسته است و لکن بهترین هنری نیاموخته است (همان)» و از جمله ورزش‌ها و مهارت‌های دیگری که بر آن تأکید می‌کند و آن را بهترین می‌داند، «شناو کردن که از بهر وی جز وی کس نتواند کردن»

#### آداب و رسوم اجتماعی

امیر عنصرالمعالی کتاب قابوسنامه را با هدف تربیت فرزندش گیلان‌شاه با نثری روان و سلیس تدوین نمودند در آن همه آداب و رسوم اجتماعی اعم از لشکرکشی در باب چهل و یکم « اگر سپهسالار باشی با لشکر محسن باش هم از جانب خویش نیکویی کن و هم از خداوند نیکویی خواه. و با هیبت باش و طریق لشکر کشیدن و مصاف ساختن نیک بدان.» (عنصرالمعالی ۱۳۶۴: ۲۲۳)، مملکتداری در باب چهل و دوم « پس اگر پادشاه باشی پادشاهی پارسا باش و چشم و دست از حرم مردمان دور دار و پاک شلووار باش که پاک شلواری از پاک دینی است و اندر هر کاری رأی را فرمان بردار خرد کن.» (همان: ۲۲۷)، تجارت در باب سی و دوم «تا بتوانی از خیانت پرهیز کن که هر که یکبار خاین گشت بیش کس را برو اعتماد نکند. و راستی پیشه کن که بزرگترین طراری راستیست و نیک معامله و خوش ستد و داد باش که تا ده یازده کنی یکبار، دوبار ده نیم توان کرد.» (همان: ۱۷۳)، سیاست در باب چهل و دوم «و فرمان روایی جز سیاست نبود پس در سیاست نمودن تقصیر نباید کرد تا امرها روان بود و شغل‌ها بی تقصیر.» (همان: ۲۳۲) و نیز علوم و فنون متداول زمان خود را مورد بحث قرار داده است وی همچنین به بیان فرهنگ، آداب و رسوم و شرایط اجتماعی ایرانیان در قرن پنجم پرداخته است.



سیاست و نظامی

هدف از بیان آموزش های سیاسی، مجموعه ای منسجم از قوانین، قواعد، آداب و رسوم در ارتباط با علم سیاست و حکومت داری است. حکومت که جزئی جدایی ناپذیر از سیاست است به عنوان متولی اداره امور کشور، در اندیشه عنصرالمعالی مرکب از پادشاه، سپهسالاران، وزیران، دبیران، ندیمان و خدمتگزاران انعکاس داشته و آموزش های لازم را در باب های سی و هفتم اندر آداب خدمت پادشاهان، و باب سی و هشتم اندر آداب ندیمی کردن، و باب سی و نهم اندر آئین کاتب و شرایط کاتبی و باب چهلم اندر شرایط وزیری پادشاه و باب چهل و یکماندر رسم سپهسالار و باب چهل و دوم اندر آیین و شرط پادشاهی برای گیلانشاه نوشته است و علاوه بر ایشان مطالب این ابواب می تواند مورد استفاده مردان سیاست و نظام قرار گیرد.

**روشی های آموزش در قابوسنامه**

عملی و تجربی

مفهوم ضرب المثل آزموده را آزمودن خطاست اشاره ای واضح و آشکار به موضوع دورانندیشی و عدم تکرار تجارب تلخی است که دیگران آن را در زندگی عملاً تجربه کرده اند نویسنده قابوسنامه در باب بیست و هفتم در حق فرزند و حق شناختن، به تجربه آموختن شنا و استفاده از آن در واقعه غرق شدن کشتی در سفر حج اشاره می کند و « بدانستم که آن پیر این چنین روزی را پیش همی دید که مرا شناوگری آموخت و من ندانستم. پس باید که هرچه آموختنی باشد از فضل و هنر فرزند را بیاموزی تا حق پدری و شفقت پدری بجای آورده باشی که از حوادث عالم ایمن نتوان بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۴) و از حکایت هاو حکمتها نیز به عنوان تجارب عملی برای تاکید و تفهیم خوب مطلب استفاده می کند. «حکایت چنان شنودم که هارون الرشید خواب دید بران جمله که پنداشتی که همه دندانهای او از دهن بیرون است بیکبار» (همان: ۴۴) و « حکایت شنیدم که درویشی و توانگری وقتی

قصدها خدا کردند و گویند که آن توانگر رئیس بخارا بود و مردی سخت منعم بود.» (همان: ۲۱) و « حکمت: من منفعت نه همه دوستان یابم بلکه از دشمنان نیز یابم از آنچه اگر در من فعلی زشت بود دوستان بر موجب شفقت ببوشانند تا من ندانم و دشمن بر موجب دشمنی بگوید تا مرا معلوم شود، این فعل بد را از خویشتن دور کنم پس آن منفعت از دشمن یافته باشم نه از دوست، تو نیز آن دانش از نادان آموخته باشی نه از دوستان.» (همان: ۳۴) و در باب سی و یکم در طالب علمی و فقیهی و فقها از تکیه صرف به رأی خود بر حذر داشته و سفارش می کند: « و مسئله ای که بیفتد همه اعتماد بر رأی خویش مکن و از مفتیان نیز مشورت خواه و رأی خویش مادام روشن دار و پیوسته خالی مباش از دروس مذهب مسائل مذهب. و چنان که گفتم تجربه ها نیز بکار دار.» (همان: ۱۶۶-۱۶۵) و در باب ششم نیز در فزونی گوهر از فزونی خرد و هنر استفاده از تجربه پیران را با استناد به آیه «و شاورهم فی الامر.» (آل عمران/۱۵۴) توصیه می کند: «و از مشورت با پیران عار مدار و با عاقلان و دوستان مشفق مشورت کن» (همان: ۲۹)

#### تمثیلی

اهمیت مثل ها آنگاه روشن می گردد که خداوند نیز در قرآن می فرماید: و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون. (زمر/۲۷) ضرب المثل جملات یا عباراتی معروف و شناخته شده هستند که حاوی پند و پیام اخلاقی و دارای پیشینه تاریخی است که نسل به نسل و سینه به سینه در بستر تاریخ بشری شکل گرفته و برای اینکه موضوع یا مطلبی قابل فهم و محسوس باشد عصرالمعالی در ابواب مختلف از این روش آموزش استفاده نموده است. از جمله در باب بیست و هشتم در آئین دوست گرفتن می گوید: «بدان ای پسر که مردمان تا زنده باشند ناگزیر باشند از دوستان که مرد اگر بی برادر باشد به که بی دوست. از آنچه از حکیمی پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟ گفت: برادر هم دوست به.»

عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۹) و در باب بیست و چهارم نیز در خریدن ضیاع و عقار به مثل « العجار و ثم الدار.» اشاره می کند ( همان ۱۲۱)

### الگودهی

از روش های تاثیر گذار در امر آموزش، استفاده از روش الگودهی برای متعلم می باشد. از این الگوها می توان به یک پدر یا مادر مهربان یا تلاشگر، استاد یا دانشجوی نمونه، وزیر، دبیر یا پادشاه عالم و عادل اشاره نمود و خداوند متعال نیز در قرآن از پیامبر(ص) بعنوان اسوه حسنه یاد می کند عنصرالمعالی نیز در ابواب مختلف به صورت واضح و مستقیم و یا غیرمستقیم اشخاصی را بعنوان الگوی برای فرزندش معرفی می کند. از جمله در باب چهلم در آئین و شرط وزارت با اشاره به مهارت و اشرافیت اطلاعاتی صاحب اسماعیل عباد وزیر فخرالدوله از وقایع و اخبار مناطق همجوار می گوید: « حکایت شنوادم که بروزگار فخرالدوله، صاحب اسماعیل عباد رحمه الله دو روز بسرای نیامد و بدیوان نشست و کس را بار نداد ... » ( عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۱۹)

### استدلالی و منطقی

از روش های آموزش و تربیت، استفاده از استدلال و دلیل منطقی برای انجام یا ترک عملی است تا مخاطب را به پذیرش آن مجاب نماید پدر گیلانشاه نیز در ابواب مختلف با آوردن استدلال منطقی پسرش را به انجام دادن یا ترک آن عمل تشویق می نماید: «اما بدانکه روزه طاعتی است که بسالی یکبار باشد، نامردمی بود تقصیرکردن و خردمندان چنین تقصیر از خویشتن روا ندارند و نگر که گرد تعصب نگردی از آنچه ماه روزه بی تعصب نبود و اندر گرفتن روزه و گشادن تعصب مکن هر گه که دانی پنج عالم تقی نقی و معتقد و پرهیزگار و قاضی و خطیب و مفتی شهر روزه گرفتند با ایشان بگیر و با ایشان بگشای و در گفتار جهال دل مبنند.» ( عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۸)

مجالست با نیکان

وی در باب هشتم در یادکردن پندهای نوشیروان در باز داشتن او از مجالست با نادان استناد می کند به پند نوشیروان و می گوید « با مردم بی هنر دوستی مکن که مردم بی هنر نه دوستی را شاید و نه دشمنی را. » (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۵۱)

تنبیه

استفاده از روش تنبیه در امر آموزش از روش هایی بود در طول تاریخ از آن برای یاددهی و یادگیری در کلاس های درس و خانواده ها استفاده می کردند ولی با پیشرفت علوم و فنون و افزایش آگاهی مردم این روش تقریباً منسوخ شده است.

نویسنده قابوسنامه در باب بیست و هفتم در حق فرزند و حق شناختن استفاده از روش تنبیه را برای تعلیم و تأدیب فرزند مجاز می داند: « و در هر علمی که مرو را آموزی اگر معلم از بهر تعلیم مرو او را بزنند شفقت مبر، بگذار تا بزنند که کودک علم و ادب و هنر بچوب آموزد نه به طبع خویش. اما اگر بی ادبی کند و تو از وی در خشم شوی ، بدست خویش وی را مزین ، به معلمانش بترسان و ادب کردن ایشان فرمان کردن تا کینه تو اندر دل وی نماند. » (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۴)

#### **برنامه تحصیلی مورد نظر عنصرالمعالی**

برنامه تحصیل به نظر کاوس باید شامل موارد ذیل باشد : قرآن ، ادب و دانش یعنی زبان و ادبیات فارسی ، عروض ، تاریخ ، ریاضی و زبان عربی ، هنر و پیشه ، سوار کاری و شنا ، بکار بردن سلاح . مراد از هنر و پیشه شغلی است که انسان در آن ماهر شود و در پرتو آن معیشت خویش را تامین کند . کاوس عده ای از مشاغل را برشمرده و برای بعضی از آنها مانند طبابت کتاب درسی هم معین کرده است و اوصاف کسانی که بخواهند بدان کارها مشغول شوند ذکر نموده است. به نظر او تعلیم هنر و پیشه برای تمام طبقات مردم از ضروریات است. همینطور شنا را نیز برای همه لازم می شمارد. روش تربیت طبق نظر کاوس

باید سخت و متکی به هیبت و قدرت معلم باشد. و کودک هر چه را می آموزد باید بدان عمل کند. ( صدیق، ۱۳۵۵: ۵۷-۵۳ )

اندیشه‌های عنصرالمعالی را در قابوسنامه را می‌توان به دو بخش ایده‌هایی که مربوط به تعلیم و تربیت عمومی است و قسمت دیگر آن مرتبط با آموزش تخصصی تقسیم کرد:

الف ( تعلیم و تربیت عمومی

اندرزها که کمتر فصلی از آنها خالی نیست. این اندرزها، خلاصه تجربه‌های عمر دراز و نشانه فکر عمیق و نظر عالی و عقل وسیع را جلوه می‌دهد و و نیز جنبه صراحت تمام دارد و حاکی از زندگی واقعی است

و عظم و مذکری، یعنی دادن اندرزهایی که بیشتر جنبه دینی دارد. قسمتی از مقدمه، باب‌های اول (در شناختن ایزد تعالی و تقدس)؛ دوم (در آفرینش پیغمبران علیهم السلام)؛ سوم (اندر سپاس داشتن از خداوند نعمت)؛ چهارم (اندر فزونی طاعت از راه توانستن)؛ پنجم (اندر شناختن حق پدر و مادر)

در علم زندگی و فن معاشرت، باب‌های دهم (اندر خویشتن داری و ترتیب خوردن)؛ یازدهم (اندر شراب خوردن و شرط آن)؛ دوازدهم (اندر مهمانی کردن و مهمان شدن)؛ سیزدهم (اندر مزاح کردن، نرد و شطرنج و شرایط آن)؛ چهاردهم (اندر عشق ورزیدن و رسم آن)؛ پانزدهم (اندر تمتع کردن و ترتیب آن)؛ شانزدهم (اندر آئین گرمابه رفتن و شرایط آن)؛ هفدهم (اندر خفتن و آسودن و رسم آن)؛ بیست یکم (اندر جمع کردن مال و خواسته)؛ بیست و سوم (اندر برده خریدن و شرایط آن)؛ بیست و چهارم (اندر خانه و عقار خریدن)؛ بیست و پنجم (اندر اسب و چهارپای خریدن)؛ بیست و ششم (اندر زن خواستن و شرایط آن)؛ بیست و هفتم (اندر فرزند پروردن و آیین آن) و بیست و هشتم (اندر دوست گزیدن) در اخلاق و تربیت باب‌های ششم (اندر فزونی و افزونی گهر و هنر)؛ هفتم (اندر پیشی جستن در سخن دانی و دانش)؛ نهم (اندر ترتیب پیری و جوانی)؛ بیست و دوم (اندر امانت

نگهداشتن)، بیست و هفتم (اندر فرزند پروردن و آیین آن)، سی‌ام (اندر عقوبت کردن و عفو کردن) و چهل و چهارم (اندر آیین جوانمردی)

#### ب) تعلیم و تربیت تخصصی

در طلب علم و تحصیل هنر باب های سی و یکم (اندر طالب علمی و فقهی و مدرسی)؛ سی و سوم (اندر ترتیب سیاق علم طب)؛ سی و چهارم (اندر علم نجوم و هندسه)؛ سی و پنجم (اندر رسم شاعری و آیین آن)، و سی و نهم (اندر آیین کاتب و شرایط کاتب) در ورزش و سرگرمی باب های سیزدهم (اندر نرد و شطرنج و شرایط آن)؛ هیجدهم (اندر نخجیر کردن و رسم آن) و نوزدهم (اندر چوگان زدن و رسم آن) در پیشه ها باب های سی و دوم (اندر تجارت کردن و شرایط آن)؛ سی و هشتم (اندر آداب ندیمی)؛ چهل و سوم (اندر آیین و رسم دهقانی و هر پیشگانی) در سیاست و اداره مملکت باب های بیستم (اندر آیین حرب و کارزار کردن)؛ بیست و نهم (اندر اندیشه کردن از دشمن)؛ سی و هفتم (اندر آداب خدمت کردن پادشاهان)؛ سی و هشتم (اندر آداب ندیمی پادشاه)؛ چهلم (اندر شرایط وزیری پادشاه)؛ چهل و یکم (اندر رسم سپاه سالاری) و چهل و دوم (اندر آیین و شرط پادشاهی)

#### نتیجه و پیشنهادات

برخی از پادشاهان آل زیار به گسترش فرهنگ و علوم و ادبیات کمک کردند و نه تنها مشوق شاعران و دانشمندان بودند، بلکه از میان آن شاهان کسانی مانند قابوس بن وشمگیر و کیکاووس بن اسکندر خود آثاری در دانش و ادب و خوش نویسی داشته اند. اشعار و رسائل به جای مانده از قابوس و اثر نامی کیکاووس (قابوس نامه) تا به امروز مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران بوده است. بر اساس نتایج محدوده حاکمیت زیاریان محل امن و آمد و شد

اندیشمندان آن عصر بوده و به همین خاطر اشخاص معروفی مانند ابن سینا در آن دیار سکنی داشتند .

در تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی، از آغاز تا قرن چهارم هجری، باید از مساجد به عنوان مهمترین مراکز و نهادهای علمی و آموزشی در جهان اسلام یاد کرد در قرن چهارم، ایجاد اماکن خاصی برای تعلیم علوم دینی و ادبی به نام مدارس معمول شد و ایرانیان در ایجاد این مدارس از میان همه ملل اسلامی، تقدم داشتند از جمله مدارس قدیم ایران و نخستین آن توسط ناصر کبیر امیر طبرستان در اواخر قرن سوم هجری در شهر بابل برپا کرد سپس داعی صغیر نیز در شهر مذکور مدرسی تأسیس نمود . از قرن ۴ به بعد گاهی در خانه فضلا و بزرگان نیز به ویژه در شهرهای بزرگ مثل بغداد متفکرین، دانشمندان و اهل علم و ادب تجمع می کردند.

کسب آمادگی برای زندگی شایسته اصل و تبار، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت شغلی، تربیت و سلامت جسمانی، تربیت عقلانی و تربیت اجتماعی از اهداف آموزش و علوم دینی و اخلاقی، پیشه و هنر، ادب و دانش، سرگرمی‌ها و تربیت بدنی، آداب اجتماعی و سیاست و نظامی محتوای آموزش و روش های عملی و تجربی، تمثیلی، الگودهی، استدلالی و منطقی، مجالست با نیکان و تنبیه از روش های آموزش در قابوسنامه هستند برنامه تحصیلی در قابوسنامه از نظر عنصرالمعالی شامل: قرآن، ادب و دانش یعنی زبان و ادبیات فارسی، عروض، تاریخ، ریاضی و زبان عربی، هنر و پیشه، سوار کاری و شنا، بکار بردن سلاح می باشد وی عده ای از مشاغل را برشمرده و برای بعضی از آنها مانند طبابت کتاب درسی هم معین کرده است و اوصاف کسانی که بخواهند بدان کارها مشغول شوند را نیز ذکر نموده است. به نظر او تعلیم هنر و پیشه برای تمام طبقات مردم از ضروریات است. همینطور شنا را نیز برای همه لازم می شمارد.

اندیشه عنصرالمعالی در مورد آموزش و تربیت فرزند: آموزش قرآن، ادب و دانش یعنی زبان و ادبیات فارسی، عروض، تاریخ، ریاضی و زبان عربی، هنر و پیشه، سوار کاری و شنا، بکار بردن سلاح. صنعتی بیاموزد و باید این صنعت بر وفق میل و استعداد طبیعی ایشان باشد. اندیشه‌های عنصرالمعالی را در قابوسنامه را می‌توان به دو بخش ایده‌هایی که مربوط به تعلیم و تربیت عمومی است و قسمت دیگر آن مرتبط با آموزش تخصصی تقسیم کرد: الف) (تعلیم و تربیت عمومی شامل: ۱- اندرزاها که حاکی از زندگی واقعی و باورهای ایشان است ۲- وعظ و مذکری، یعنی دادن اندرزهایی که بیشتر جنبه دینی دارد. ۳- در علم زندگی و فن معاشرت ۴- در اخلاق و تربیت ب) (تعلیم و تربیت تخصصی: ۱- طلب علم و تحصیل هنر ۲- ورزش و سرگرمی ۳- پیشه‌ها ۴- سیاست و اداره مملکت

#### منابع

۱. اولیاء الله آملی، محمد (۱۳۴۸)، تاریخ رویان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۵۰)، الکامل فی التاریخ، ترجمه عباس خلیلی. تصحیح مهیار خلیلی، ج ۱۳، تهران، انتشارات کتب ایران
۳. ابن مسکویه، (۱۳۷۶) تجارب الامم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵، تهران، انتشارات توس،
۴. ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، (۱۳۶۶) تاریخ طبرستان، عباس اقبال، ج ۱ و ۲، تهران، نشر کلاله خاور،
۵. ابن حوقل، (۱۳۴۵) صوره الارض، جعفر شعار، بنیاد فرهنگ
۶. احمد، منیرالدین (۱۳۶۸)، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، آستان قدس
۷. براون، ادوارد، (۱۳۳۵) تاریخ ادبی ایران، جلد اول، کتابخانه ابن سینا، چاپ دوم
۸. بیرونی، ابوریحان، (۱۳۶۳) آثار الباقیه، اکبر دانا سرشت، ج ۳، تهران، امیرکبیر



۹. جماعه، بدرالدین، (۱۳۸۸) آموزش نامه فرهنگ فرداهی و فراگیری در اسلام، تهران، چاپ اول، لیتوگرافی باختر
۱۰. حدودالعالم (۱۳۶۲ و ۱۳۸۳) حدودالعالم من المشرق الى المغرب، مصحح، منوچهر ستوده، ناشر کتابخانه طهوری
۱۱. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (۱۳۷۲) مؤثرالملوک، موسسه خدمات فرهنگی رسانه، چاپ اول
۱۲. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی [بی تا]، حبیب السیر، محمد دبیر سیاقی، ج ۲، تهران، انتشارات خیام، چاپ دوم،
۱۳. راوندی، مرتضی (۱۳۸۳) سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، چاپ چهارم، نگاه
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۸)، کارنامه اسلام، شرکت سهامی انتشار
۱۵. الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، ۷۴۸، ۱۶ (هـ) تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول
۱۶. سلطانزاده، حسین، (۱۳۶۴) تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، چاپ آذر
۱۷. سهمی، ابوالقاسم حمزه بن یوسف بن ابراهیم، (۱۳۶۹) تاریخ جرجان او معرفه علما اهل جرجان، چاپخانه دائره المعارف العمانیه، حیدرآباد الدکن - الهند سنه هـ، چاپ اول
۱۸. سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲) تذکره الشعراء، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، چاپ اول، تهران، لیتوگرافی و چاپ دیبا
۱۹. شلبی، احمد، (۱۳۶۱) تاریخ آموزش در اسلام، محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۰. صدیق، عیسی (۱۳۵۵) دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران، تهران چاپ پنجم و شانزدهم
۲۱. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۳۷۲، جلد اول، چاپ ۱۳، چاپخانه رامین

۲۲. عتبی، ابونصر (۱۳۵۷) تاریخ یمینی، ترجمه فارسی جرفادقانی، به کوشش جعفر شعار، تهران
۲۳. عنصرالمعالی کیکاوس بن وشمگیر زیاری (۱۳۶۴) قابوسنامه، به اهتمام و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲۴. عوفی، محمد (۱۳۳۵) لباب الباب، به کوشش سعید نفیسی، و محمد قزوینی، تهران
۲۵. عوفی، محمد، لباب الالباب (۱۳۲۴) به سعی و تلاش ادوارد بروئر انگلیسی در شهر لیدن
۲۶. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (بی تا)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
۲۷. وطواط، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی، حدائق السحر فی دقائق الشعر، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، طهران چاپخانه مجلس
۲۸. مقالات
۲۹. مهربان نژاد، احد (۱۳۹۱) نقش دانشمندان طبرستانی و محیط علمی آن در انتقال دانش عصر ساسانی به تمدن اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، زمستان، شماره ۹